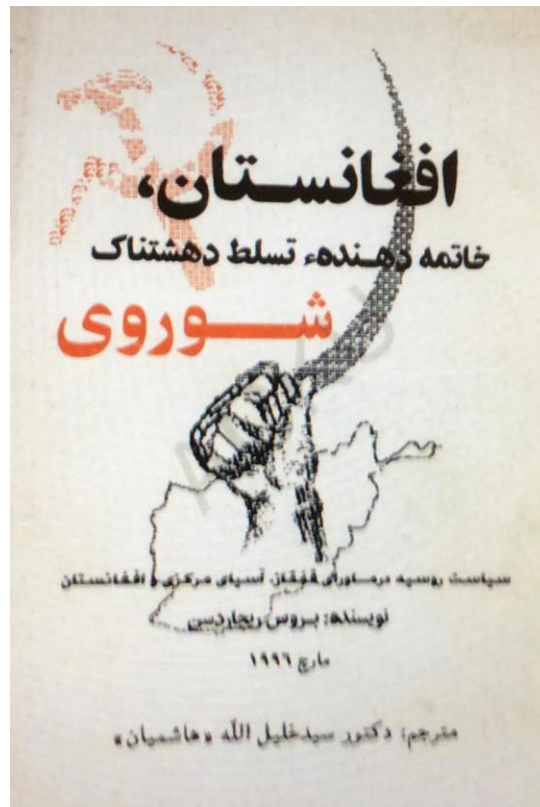




۲۱ فبروری، ۲۰۲۳

ملالی موسی نظام

مختصری در زمینه کتاب افغانستان، خاتمه دهنده تسلط دهشتناک شوروی



به مناسبت سی و چهارمین سال شکست روسیه شوروی در خاک افغانستان

وقتی به تاریخ نیم قرن اخیر افغانستان، یعنی دقیقاً بعد از سقوط سلطنت و آغاز نشیب و بربادی اجتماعی کشور نظر می اندازیم، با حسرت و نا امیدی متوجه میگردیم که چه دست هایی برای

تغییر سرنوشت یک ملت در حال صلح و امنیت از آستین غیر «ا» بیرون آمد و به تدریج و در گذر زمان جنایات و خیانت های پیهم را برای بربادی مردم مظلوم افغانستان و سرزمین شان مرتکب گردیدند. بدون شک و با استناد وسیع سر آغاز همه مصایب پی در پی که گریبان یک ملت را گرفت و مملکت را به انهدام سوق داد همانا کودتای شب هنگام ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ هجری شمسی ۱۹۷۳ میلادی، چون رهائش تیری از خفا در تاریکی بود.

درین تغییر بنیادی دولت، گروه ۲۲ سال تربیت یافته سفارت شوروی یعنی خاینین «حزب پرچم» به زعامت سردار محمد داود پسر عم اعلیحضرت محمد ظاهر شاه، اساسات ده ساله دیموکراسی نو پا، انتخابات آزاد، تفکیک قواء و آزادی افکار مردم کشور را معدوم ساخته و یک رژیم دیکتاتوری مطلقه که بر محور قدرتمندی «رهبر کودتا» و رفقای جناح چپ وی میچرخید، البته منحصیث یک دوران گذرا به اساس «پلان برژنف» بوجود آمد که با حرکت سنجیده شده بعدی، همان فعالین کودتای سرطان، کودتای منحوس ثور را با تغییرات بنیادی دیگری سازمان دهی دادند.

کودتای منحوس ثور و عواقب آن منجر به اشغال خونین یک مملکت آزاد، غیر منسلک و کشتار بیدریغ سکنه آن و موجودیت ملیون ها آواره بیوطن گردیده است که تا الان سیل فراریان مهاجرین سرگردان از سرزمین مقدس افغان ها با هزاران مشقت و تلفات انسانی، به دیار گوناگون ادامه دارد. در آغاز کودتای ثور که تبلیغات رژیم تکیه به شوروی استقرار حاصل می نمود، طوری برای جهانیان وانمود میگردید که گویا این تغییر فاحش صرف جابجا شدن سیستم سیاسی یک دولت در افغانستان به دولت دیگری است که در آن هیچ کشور خارجی به اوضاع بستگی «!» ندارد.

در چنین احوالی در یکی از ایالات شمال شرق ایالات متحده امریکا ژورنالستی به نام «بروس ریچاردسن» از جانب دفتر مربوطه خویش برای جمع آوری اخبار و معلومات واقعی از منطقه، عازم پشاور میگردد.

خبرنگار جوان بعد از مدتی که به محیط و شرایط بلدیت حاصل می نماید، برای کسب معلومات با لباس ملی افغانی با گروه هایی از مجاهدین که جدیداً آمادگی مقاومت به مقابل دشمن را می گرفتند، همگام و همراه میگردد و در طول سالهای متمادی بار بار به داخل خاک افغانستان از همان سرحدات پاکستان داخل میشود.

این ژورنالستی که بعد ها لقب افغانستان دوست را کسب میدارد، به تدریج افغانستان شناس گردیده و به معلومات و تحقیقات وسیعی دست میزند، طوریکه مقدرات و عشق وی با سرنوشت مردم و

سرزمین ما گره می خورد. سالها بعد که وی مقالات و آثار زیادی از حقایق جنگ افغانستان با شوروی و افشای جریانات گوناگون به شمول فعالیت های غیر ملی تعدادی از افغان های منحرف مثلاً « احمد شاه مسعود» و قرارداد های مخفیانه و سخیفانه وی با قوای نمبر ۴۰ اتحاد شوروی اشغالگر، وی در کتابی تحت عنوان «افغانستان، خاتمه دهنده تسلط دهشتناک شوروی» که مورد بحث ما درین سطور است، چنین بیان میدارد:

بسم الله الرحمن الرحيم

اهداء به مردم افغانستان

که در آنها به وضاحت درخشنده گی غرور، ایمان راسخ و خودکفایتی بی یک ملت غیر قابل

تسخیر را می بینیم و به آنها این کتاب اهداء میشود

این اثر گرانبها به همت ژورنالیست و نویسنده خبره افغان مرحوم «سید خلیل الله هاشمیان» به دری ترجمه شده و به دسترس هموطنان قرار دارد، که خوانندگان ما برای مطالعه و شریک ساختن با دوستان در آرشیف کتب، از همین وبسایت میتوانند بدست آورند.

در حقیقت بدون کوچکترین تردیدی، «بروس ریچاردسن» در راه کشف و افشای حقایق تاریخ نیم قرن اخیر کشور راهی را پیش گرفته است که در آن بسیاری از هموطنانی که زاده آن خاک مقدس بوده اند و در مراحل مختلفه این تاریخ گاه همگام اتحاد شوروی غدار گشته اند و زمانی با گروه های جنایت پیشه تنظیم های وابسته به غیر پیوسته اند، افشاء گردیده اند.

در مدت اقامت طولانی «بروس ریچاردسن» بین پاکستان و افغانستان، مطالعات وسیع، شناسایی با اوضاع جنگ مجاهدین افغان- شوروی، تغییرات سرنوشت سازی چون امضای پروتوکول های «احمد شاه مسعود» با قوای نمبر ۴۰ اتحاد شوروی با قوماندانی «بوریس گروموف» که مدت جنگ خانمانسوز و اشغال غیر انسانی خاک مقدس افغانستان را طولانی ساخت و سبب گردید تا میلیون هاهموطنان مظلوم ما شهید و معیوب گردند و البته میلیون های دیگر آواره و بیخانمان شوند.

سؤالی که نزد این شاگرد دایم بی جواب مانده است، در مورد آنانیست که درین نیم قرن اخیر دست به خیانت و جنایات وسیع زده اند و گروه مشترک المنافع آنان مثلاً خائنین خلق و پرچم، مسعودیان و ائتلاف شمال یا گروه وابسته به گلبدین و یا حتی آنانی که با ایجاد کودتای سرطان، عملاً در دولت افغانستان نمایان گردیدند، هرگز نسنجیدند که با تمام پنهان کاری ها و فریب ملت، هر قدمی که

برداشته اند به حکم صفحات تاریخ و شهود عینی برای ملت افغانستان روزی برملا می‌گردد که گشته است!!

درین کتاب چه کج رویی های نیست که افشاء نگردیده باشد، مثلاً قرار داد های خیانت کارانه تاریخ ساز « احمد شاه مسعود» با قوای نمبر ۴۰ اتحاد شوری، دشمن اشغالگر!! مطالعه این اثر ماندگار که تحقیقات و چشم دید یک امریکایی خبره و یک نویسنده و ژورنالیست دوست دار ملت افغانستان است به هموطنانی که به خاک و مردم مظلوم وطن علاقمند هستند، یکبار دیگر توصیه می‌گردد.

در جمع دوستان مهاجر افغانی که با «بروس ریچاردسن» در امریکا ارتباط فرهنگی داشتند، وی به اینجانب هم گاهی در زمینه جریانات افغانستان صحبت تلفونی میداشت که از ورای آن علاقه و آگاهی عمیق وی را به سرزمین و مردم افغانستان تضمین می نمود. یکی از آثار دیگری که وی به اینقلم هم اهداء نمود کتابیست به نام «افغانستان در جستجوی حقیقت – Afghanistan, a search for truth» که ذریعه انتشارات «آمازون» بدست می آید و ارزش مطالعه هر افغان وطن پرستی را در زمینه آگاهی به حقایق مبرهن تاریخ آن دوره دارد. اینهم مطلبی ازین قلم که به مناسبت وفات «بروس ریچاردسن» و قدرمندی چنین شخصیتی تحریر گردیده و در مطبوعات افغانی انتشار یافته است.

<http://www.esteqaal.net/images/M.Nezam-yadi-as-Bruce-richardson.pdf>

*- به تأیید صفحه ۳۰۷ پراگراف اول کتاب « زنان افغان زیر فشار عنعنه و تجدد» اثر آقای سیدعبدالله کاظم، مردم بعد از کودتای سرطان از خود میپرسیدند که آیا کودتا یک پدیده داخلی است که توسط داود خان طرح و تطبیق شده است و یا آیا این دست دراز شوروی هاست که از آستین داود خان بیرون شده است.

پایان